

یادداشت

یادداشت محمد رضا هاشمی نژاد دبیر سالانه گرافیک
سرونگار در سوگ علی خسروی؛
چه بی خبر رفتی کجا سفر رفتی



در این هوای لطیف بهاری فقط تو را کم داریم با آن چهره‌ی مهربان که به خنده می‌شکفت با آن دستان هنرمند که با قلم رقصی، سازی و شوری رقم می‌زد. همان قدر که ساده و بی‌آلایش، همان قدر که بی‌توقع و بی‌تکلف زندگی کردی. دریا دل و بی‌ادعا رفتی!

علی خسروی رفت؛ ساده از مرز زندگی گذشت، و ما را با خاطره‌هایش تنها گذاشت؛ بغض گلویم را می‌فشرد. حس این که دیگر نمی‌توانم او را ببینم آزارم می‌دهد؛ دقیقاً حسی شبیه حس وقتی که پدر رفت!

ظهر چهارشنبه نهم اردیبهشت جاری، عادل صدر از انجمن تماس گرفت، گوشی را برداشتم و گفتم به او زنگ می‌زنم، چیزی نگفت. دقایقی دیگر مظفر طاهری زنگ زد، صدایش می‌لرزید، خبر رفتن علی را داد. می‌توانستم تصور کنم چطور جلوی انفجار بغض‌اش را گرفته، و آن را ذره ذره می‌کند. تکان شانه‌هایش را در لرزش صدایش می‌شد دید.

شوکه شده بودم. نمی‌توانستم درک کنم چه شده؛ چون روز قبل‌اش با علی صحبت کرده بودم، می‌گفت خیلی بهتر است. قریب یک ماه در بیمارستان بستری بود؛ از وقتی خبردار شدم، هر روز احوالش را پرسان بودم، از دخترم هم خواسته بودم هر روز به او سر بزنم. او هم با ارادت هر روز سر می‌زد و احوالش را می‌پرسید. خبر داشتم که همه‌ی دوستان جان، امثالته فرهادی، ابراهیم حقیقی (اتفاقاً همین الان که این مطلب را می‌نویسم زنگ زد و به تلخی گریستم)، بیژن بیژنی، داریوش فرهنگ و جلالی همسایه و همکار قدیمی‌اش و دوست و خوب و عزیز عکاسباشی مظفر طاهری مهربانانه و با لطافت او را عیادت می‌کنند و حالا همه‌ی آن دوستان ...

باری؛ علی خسروی طراح گرافیک، نقاش و تصویرگر هزاران چهره‌ی فرهنگی با کارنامه‌ی هنری‌ای درخشان. انسانی و مملو از شرافت و عشق عازم سفر شد. او نه تنها یک طراح گرافیک برجسته و نقاشی با احساس و جستجوگر، بلکه انسانی به تمام معنا شریف و مسئول بود. در توجه ویژه و مسئولانه‌ی او به ساخت فرهنگ همین بس که خودانگیزانه مجموعه‌ای عالی از چهره‌ی هنرمندان و فرهیختگان ایران و به ویژه زادگاهش کرمان را به تصویر کشیده که به حق بزرگترین مجموعه‌ی مصور مفاخر ایران عزیز می‌باشد. سالها همکاری با استاد مرتضی ممیز در پروژه‌های مختلف هنری، طراحی جلد نشریاتی چون رودکی، نکین و تماشا... همکاری با استاد قباد شیوا در موسسه سروش و ساخت جلد ده‌ها کتاب و نشریه و همچنین طراحی پوستر برای فیلم‌های طلسم و مسافران و شرکت در ده‌ها نمایشگاه انفرادی و گروهی و صد البته همکاری مشاوره و حمایت از سالانه گرافیک سرو نگار که بسیار به ما انرژی می‌داد، نشان از عشق فراوان او به فرهنگ و هنر این مرز و بوم بود. ***

علی خسروی؛ برای من یک منش بود؛ یک روش و شیوه‌ی هنرمندانه که آزادی و شور هنر را پاس می‌داشت. بی‌گمان یادش برای همیشه در خاطره‌مان خواهد ماند. البته بعداً در مورد برنامه‌ریزی برای آثار بجامانده از او حرف‌های زیادی دارم. روانش شاد باد.

او نیز تأثیر گذاشته بود.

خسروی فراتر از یک نقاش بود.

شاهین ترکمن، رئیس گالری سهراب، آخرین سخنران این برنامه بود که از خسروی به‌عنوان شخصیتی فراتر از یک نقاش یاد کرد و گفت: فقدان انسان‌های بزرگ با اندوهی عمیق همراه است و بغض حاضران در این مراسم، نشان‌دهنده‌ی جایگاه ویژه‌ی خسروی است. آثار او، به‌ویژه در حوزه طراحی و پرتره، از توانایی و مهارت بالایی برخوردار بود و مجموعه‌هایی مانند «رویای قرنطینه» و تصویرگری زنان خنیگر، جلوه‌ای خاص و ماندگار در کارنامه هنری‌اش دارد. به گفته‌ی ترکمن، این آثار با نگاهی اسطوره‌ای و بیانی متفاوت، جایگاه ویژه‌ای در هنر معاصر ایران یافته‌اند.

او همچنین به ویژگی‌های شخصیتی خسروی پرداخت و بیان کرد: او انسانی شفاف، بی‌آلایش و به دور از هرگونه حاشیه بود و در طول زندگی‌اش هیچ‌گاه وارد تنش یا درگیری نشد. این صداقت و سادگی در رفتار، از او چهره‌ای متفاوت ساخته بود.

ترکمن در ادامه با تأکید بر روحیه انسانی خسروی اظهار کرد: او هنرمندی عاشق بود که مهرورزی را به اطرافیان خود می‌آموزت و در تمام ابعاد زندگی، از هنر تا روابط انسانی، با نگاهی عاشقانه عمل می‌کرد. او همچون فرشته‌ای بود که مدتی در کنار ما حضور داشت و اکنون از میان ما رفته است، اما یاد و جایگاهش همواره در دل‌ها باقی خواهد ماند.

مسیری که خسروی در زندگی پیمود

علی خسروی متولد ۱۴ اسفند ۱۳۲۷ در کرمان بود. او در سال ۱۳۴۷ وارد دانشگاه شد و کارشناسی خود را در رشته طراحی گرافیک از دانشکده هنرهای زیبای تهران دریافت کرد. این دوره آموزشی، مهمی از هم‌زمان با شکل‌گیری نسل مهمی از طراحان گرافیک ایران بود، زمینه‌ی ورود او را به فضای حرفه‌ای طراحی فراهم کرد. پس از پایان تحصیل، خسروی مدتی در آتلیه مرتضی ممیز فعالیت کرد و سپس با قباد شیوا همکاری داشت؛ دو چهره‌ای که از جریان‌سازان اصلی گرافیک مدرن ایران به شمار می‌روند. این همکاری‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری زبان بصری او داشت و او را در مسیر حرفه‌ای گرافیک کاربردی و مطبوعاتی قرار داد.

خسروی نهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۵ پس از تحمل یک دوره بیماری در سن ۷۷ سالگی درگذشت.

*عکس‌ها را مظفر طاهری عکاسباشی و پیشکسوت عکاسی در کرمان گرفته است و در اختیار ما قرار دادند. از ایشان سپاسگزاریم. طاهری

از مراسم وداع با خسروی عکس‌های به یادماندنی زیادی گرفته است. تعدادی از عکس‌ها را با محبت ایشان در قالب یک گزارش تصویری مجزا فراهم آوردیم، که در پایگاه خبری فردای کرمان در دسترس است.



همکاری و هم‌نشینی با او یاد کرد و گفت: در چنین روزی، تنها می‌توان به تعبیر سعدی گفت که قدر دوست در زمان حیات به‌درستی شناخته نمی‌شود. در دیدار آخر در بخش مراقبت‌های ویژه، او بسیار بی‌حوصله و اندوهگین بود و حتی به شوخی‌های همیشگی پاسخ نمی‌داد، هرچند گاه لبخندی کم‌رنگ بر چهره‌اش دیده می‌شد. وقتی به او گفتم که همیشه نقاشی را بهترین کار می‌دانست و بهتر است به آتلیه‌اش بازگردد، اشکی از گوشه چشمش جاری شد، صحنه‌ای که برای من بسیار تأثیرگذار بود.

مشیری در ادامه با اشاره به توانایی‌های هنری خسروی اظهار کرد: او در آتلیه سروش همواره زبردستی خود را در کار با قلم نشان می‌داد و به‌ویژه در استیلایز کردن خطوط نستعلیق و خلق فرم‌های نوآورانه مهارتی کم‌نظیر داشت. خسروی در حوزه پرتره‌نگاری نیز نقش مهمی ایفا کرد و آثارش را می‌توان ادای دینی به چهره‌های فرهنگی و هنری این سرزمین دانست. او با اشاره به فعالیت سال‌های اخیر خسروی افزود: در دوره‌ای که دوباره با جدیت به نقاشی بازگشته بود، آثار ارزشمندی خلق کرد که با استقبال قابل توجهی نیز مواجه شد و حتی به حراج تهران راه یافت؛ موضوعی که موجب خرسندی او شده بود.

مشیری با اشاره به روزهای پایانی زندگی خسروی اظهار کرد: دوران بستری او در بیمارستان، با شرایط دشوار و فضای ملتهب همراه بود و این وضعیت بر روحیه

در کرمان بازمی‌گردد. او از دوران مدرسه به نقاشی علاقه‌مند بود و با پشتکار فراوان کار می‌کرد. فرهنگ تأکید کرد که خسروی از همان سال‌ها فردی پرتلاش بود و بعدها نیز این روحیه را در مسیر حرفه‌ای خود حفظ کرد.

این هنرمند با اشاره به سال‌های تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا افزود: خسروی در این دوره نیز فعالیت حرفه‌ای خود را به‌طور جدی دنبال کرد و با حضور در آتلیه مرتضی ممیز، مسیر رشد هنری‌اش را ادامه داد. او همچنین از همکاری‌های خسروی در حوزه تئاتر یاد کرد و گفت که او در طراحی پوستر و عکاسی آثار نمایشی، همواره همراه و یاری‌رسان بود.

این هنرمند در ادامه با اشاره به علاقه خسروی به سینما گفت: او تماشاگر جدی فیلم بود و حتی در روزهای پایانی زندگی نیز درباره‌ی فیلم‌ها و بازیگران با دقت صحبت می‌کرد. فرهنگ این را هم اضافه کرد: با وجود امیدهایی که برای بهبود او وجود داشت، این هنرمند چشم از جهان فرو بست و به آرامشی ابدی رسید. او ابراز امیدواری کرد که روح خسروی در آرامش باشد و یاد و آثارش در میان جامعه هنری ماندگار بماند.

ادای دین او به چهره‌های فرهنگی و هنری

مهنوش مشیری دیگر سخنران این مراسم بود که با ابراز اندوه از فقدان این هنرمند، از بیش از پنج دهه دوستی،

یادگارهای این دوست شریف کم نیست. از افتخارات زندگی حرفه‌ای و هنری من این بود که در سال‌های دور، او به‌عنوان شاگردی نجیب و آرام وارد کارگاه طراحی شد و سپس در رشته گرافیک دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پذیرفته شد. او آن چنان رشد کرد که در کنار استادانی چون مرتضی ممیز و قباد شیوا قرار گرفت.

امید دارم در شأن او، در کنار چهره‌های ماندگار کرمان، مکانی برای حفظ و نگهداری آثارش فراهم شود تا به فرهنگ غنی این خطه افزوده شود. در کنار فعالیت‌های گرافیکی‌اش، من از سال‌ها پیش شاهد شکوفایی قلم و نقاشی او بودم؛ آثاری چون مجموعه «رویای قرنطینه» با تصویر بانوان نوازنده و تابلوهای متعدد که برخی از آن‌ها در حراج تهران نیز ارائه شدند. شاید بتوان گفت او بی‌آن که خود بداند، در برخی آثارش پیش‌نگر زمانه بود.

تا آخرین لحظه روحیه‌اش را حفظ کرد

داریوش فرهنگ از دوستان قدیمی زنده‌یاد خسروی نیز در این مراسم با ابراز تسلیت، از درگذشت این هنرمند به‌عنوان فقدان یکی از «اهل خرد و هنر» یاد کرد و گفت: آثار ماندگاری که از خسروی به جا مانده، از جمله پرتره‌های چهره‌های فرهنگی و هنری و مجموعه‌هایی مانند «رویای قرنطینه»، گویای تلاش و جایگاه او در هنر معاصر ایران است. او با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی خسروی افزود: او هنرمندی متواضع، مهربان و به‌دور از هرگونه تنگ‌نظری بود و همین ویژگی‌ها در کنار توانایی‌های هنری، او را متمایز می‌کرد.

فرهنگ در بخش دیگری از سخنانش به آخرین دیدار خود با خسروی در بیمارستان اشاره کرد و گفت: او تا آخرین روزها از هوشیاری و دقت بالایی برخوردار بود، با اطرافیان گفت‌وگو می‌کرد؛ حتی درباره مسائل روز و موضوعات مختلف صحبت می‌کرد، و با وجود شرایط جسمی، همچنان روحیه‌ای آرام و آگاه داشت. او همچنین به سابقه‌ی دوستی طولانی خود با خسروی اشاره کرد و گفت: آشنایی ما به سال‌های نوجوانی

آگهی مناقصه عمومی اداره کل راه و شهرسازی استان کرمان

ردیف	موضوع	نوع	مدت (روز)	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ ضمانت نامه (ریال)
۱	{۰۸/۸۱/۰۰۰۳} انجام خدمات امور خودروئی و نقلیه اداره کل راه و شهرسازی استان کرمان	مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی	۳۶۵	۵۲,۴۹۰,۴۰۹,۱۳۲	۲,۶۳۰,۰۰۰,۰۰۰
محل	سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir				
مهلت	سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir ش آ: ۲۱۷۸۶۲۰				